

بلوع و اهلیت

مؤلف: مجید عزیزی

سرشناسه: عزیزی، مجید، ۱۳۵۱

عنوان قراردادی: ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc

عنوان و نام پدیدآور: بلوغ و اهلیت / مولف مجید عزیزی.

مشخصات نشر: سمیرم: سام آرام، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۵۰ ص

شابک: ۳۰۰۰۰۰ ریال 978-600-5844-93-1

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۴۳.

موضوع: اهلیت و حجر (فقه)

موضوع: Capacity and disability (Islamic law)

موضوع: اهلیت و حجر (فقه) -- ایران

موضوع: Capacity and disability (Islamic law) -- Iran

رده بندی کنگره: ۱۹۰ / ۳ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۳۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۹۶۹۰۹



نام کتاب: بلوغ و اهلیت

مؤلف: مجید عزیزی

انتشارات: سام آرام

سال و نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۸

چاپخانه: پیشگام

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۵۸۴۴-۶۰۰-۹۷۸

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۲	مقدمه
۱۹	فرضیه های تحقیق
۲۱	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۲۲	مبحث اول: احوال شخصیه
۲۳	گفتار اول: احوال شخیصیه در علم حقوق
۲۳	مبحث دوم: حقوق خصوصی و شعبه های آن
۲۳	گفتار اول: حقوق مدنی
۲۴	گفتار دوم: حقوق تجارت
۲۴	گفتار سوم: حقوق بین الملل
۲۴	مبحث سوم: اهلیت از نظر شرع
۲۵	مبحث چهارم: اهلیت در منظر قانون
۲۷	مبحث پنجم: طفل
۲۷	گفتار اول: تعریف طفل
۲۹	گفتار دوم: تعریف طفل از نظر قرآن
۳۰	گفتار سوم: تعریف طفل در فقه
۳۲	گفتار چهارم: تعریف طفل از نظر اسناد و مقوله های بین المللی
۳۴	گفتار پنجم: تعریف طفل در قوانین و مقررات داخلی
۳۵	مبحث ششم: تعریف طفل در حقوق داخلی ایران
۳۷	مبحث هفتم: صغیر ممیز و غیر ممیز

- ۳۹.....مبحث هشتم: طفل، مراهق و غیر مراهق.
- ۴۰.....مبحث نهم: تعریف طفل از نظر روانکاوان و روانشناسان.
- ۴۱.....مبحث دهم: بلوغ.
- ۴۱.....گفتار اول: دو دیدگاه فقها در بلوغ.
- ۴۲.....گفتار دوم: بلوغ از دیدگاه حقوقی.
- ۴۲.....مبحث یازدهم: بلوغ از نظر قرآن و حدیث.
- ۴۴.....مبحث دوازدهم: کلمات فقها شیعه درباره بلوغ.
- ۵۱.....گفتار اول: تلامه صاحب مدارک.
- ۵۶.....گفتار دوم: دلایل فائده سیببات و احتلام در بلوغ.
- ۵۸.....گفتار سوم: نقد بر دو حدیث نبوی.
- ۵۹.....گفتار چهارم: رجال سند دو حدیث.
- ۶۴.....مبحث سیزدهم: اخبار بلوغ از طریق خاصه.
- ۷۰.....مبحث چهاردهم: اخبار بلوغ از طرق عامه.
- ۷۳.....مبحث پانزدهم: قوانین مربوط به طفل مراهق و غیر مراهق.
- ۷۴.....مبحث شانزدهم: شد.
- ۷۴.....گفتار اول: تعریف لغوی رشد.
- ۷۶.....گفتار دوم: واژه شناسی رشد.
- ۷۷.....گفتار سوم: نمو.
- ۷۷.....گفتار چهارم: نضج.
- ۷۸.....گفتار پنجم: بزرگ شدن.
- ۷۸.....گفتار ششم: تحول.
- ۷۸.....گفتار هفتم: تکامل.

- ۷۸..... گفتار هشتم: پرورش
- ۷۸..... گفتار نهم: اثبات رشد
- ۷۹..... گفتار دهم: چگونگی اثبات رشد
- ۸۰..... مبحث هفدهم: عقل
- ۸۱..... گفتار اول: معای لغوی و اصطلاحی عقل
- ۸۲..... گفتار دوم: عقل در اسلام
- ۸۵..... گفتار سوم: آیات تکوینی
- ۸۵..... گفتار چهارم: آیات نشیعی
- ۸۶..... مبحث هیجدهم: جنون
- ۸۶..... گفتار اول: علل و چگونگی جنون
- ۸۷..... گفتار دوم: چالش میان تعریف حقوقی و روانپزشکی جنون
- ۸۸..... گفتار سوم: انواع جنون
- ۸۸..... گفتار چهارم: تعریف جامع و مانع و منظره ان جنون در حقوق جزا
- ۸۹..... گفتار پنجم: درجات جنون
- ۹۰..... گفتار ششم: نحوه ی احراز جنون در دادگاه ها
- ۹۱..... گفتار هفتم: مسئولیت کیفری مجانین
- ۹۴..... گفتار هشتم: افاقه ی جنون پس از ارتکاب جرم
- ۹۶..... فصل دوم: تاثیر اهلیت شرعی و قانونی در حقوق مالی کودک
- ۹۷..... مبحث اول: نفقه
- ۹۷..... گفتار اول: نفقه همسر
- ۹۸..... گفتار دوم: نفقه زن
- ۹۸..... گفتار سوم: ضمانت اجرای نفقه زوجه

- ۹۹..... گفتار چهارم: نفقه خویشان.
- ۹۹..... گفتار پنجم: نفقه اولاد.
- ۱۰۰..... گفتار ششم: نفقه پدر و مادر و اجداد.
- ۱۰۱..... گفتار هفتم: ضمانت اجرای مدنی نفقه اقارب.
- ۱۰۴..... گفتار هشتم: ضمانت اجرای کیفری نفقه اقارب.
- ۱۰۴..... مبحث دوم: فرزند تا چه زمانی مستحق دریافت نفقه است.
- ۱۰۵..... گفتار اول: محدودیت شکایت برای نفقه فرزند.
- ۱۰۵..... مبحث سوم: نفقه فرزندان نامشروع.
- ۱۰۶..... مبحث چهارم: نظر قیاس در مورد فرزندان خارج از ازدواج.
- ۱۰۷..... گفتار اول: احکام فقهی ولادت.
- ۱۰۸..... گفتار دوم: رابطه موانع نکاح عقد شرعی.
- ۱۱..... گفتار سوم: آیات.
- ۱۲..... گفتار چهارم: روایات.
- ۱۴..... مبحث پنجم: حقوق فرزندان حاصل از نکاح موقت.
- ۱۷..... فصل سوم: تاثیر اهلیت شرعی و قانونی در حقوق یر مالی کودک.
- ۱۸..... مبحث اول: حضانت.
- ۱۸..... گفتار اول: حضانت در قانون.
- ۱۸..... گفتار دوم: حضانت در فقه.
- ۱۹..... گفتار سوم: ماهیت حقوقی.
- ۱۹..... گفتار چهارم: حکم فقهی حضانت.
- ۲۰..... مبحث دوم: شرایط حاضن.
- ۲۰..... گفتار اول: عقل.

- گفتار دوم: بلوغ..... ۱۲۱
- گفتار سوم: آزاد بودن..... ۱۲۱
- گفتار چهارم: سلامت جسمانی..... ۱۲۱
- گفتار پنجم: شایستگی اخلاقی..... ۱۲۲
- گفتار ششم: مسلمان بودن..... ۱۲۲
- گفتار هفتم: سکونت در محل ثابت..... ۱۲۲
- گفتار هشتم: ازدواج نکردن مادر با کسی جز پدر..... ۱۲۳
- مبحث سوم: برگشت حق حضانت بعد از احراز شرایط..... ۱۲۴
- مبحث چهارم: مراد سقوط حق حضانت از پدر یا مادر..... ۱۲۵
- مبحث پنجم: اولویت پدر یا مادر..... ۱۲۵
- مبحث ششم: تعیین سن برای ابرویت حضانت..... ۱۲۵
- گفتار اول: دیدگاه روایات..... ۱۲۵
- گفتار دوم: دیدگاه قانون..... ۱۲۷
- مبحث هفتم: بعد از فوت والدین..... ۱۲۸
- گفتار اول: دیدگاه فقهای امامی..... ۱۲۸
- گفتار دوم: قانون..... ۱۲۹
- گفتار سوم: فقهای اهل سنت..... ۱۳۰
- مبحث هشتم: حضانت از منظر قانون..... ۱۳۲
- گفتار اول: مصلحت حضانت فرزند بر اساس قانون..... ۱۳۲
- گفتار دوم: شرایط سلب حضانت فرزند..... ۱۳۳
- گفتار سوم: دستور موقت پیرامون حضانت..... ۱۳۳
- گفتار چهارم: دادگاه صالح به رسیدگی در حضانت..... ۱۳۴

- ۱۳۴..... گفتار پنجم: نکات. کاربرد در دعوی حضانت.
- ۱۳۵..... مبحث نهم: ولایت.
- ۱۳۵..... گفتار اول: ولایت بر محجوران.
- ۱۳۵..... گفتار دوم: ولایت بر جامعه خردمندان یا ولایت فقیه.
- ۱۳۶..... مبحث دهم: قیمومت.
- ۱۳۷..... گفتار اول: معنای لغوی قیمومت.
- ۱۳۷..... گفتار دوم: قیمومت در کنوانسیون.
- ۱۳۸..... مبحث یازدهم: حقوق غیر مالی کودک خارج از نکاح.
- ۱۴۰..... مبحث دوازدهم: ارث.
- ۱۴۰..... گفتار اول: ارث فرزند خارج از نکاح در قانون مدنی.
- ۱۴۱..... نتیجه گیری.
- ۱۴۳..... منابع.

مقدمه

در روزگار کنونی حقوق کودکان و مسائل آنان به یکی از مهم ترین مباحث حقوقی و اجتماعی تبدیل شده است. وجود کودکان کار و بی سرپرست و پیامدهای حقوقی و اجتماعی آن باعث شده تا در همه جهان بیش از پیش به این مهم بپردازند و سازمان های ملی و بین المللی جهت حقوق کودکان قوانینی تصویب کرده و یا پیشنهاداتی به دولت ها ارائه نمایند.

در هر کدام از حقوق جهانی مسائل مربوط به کودکان باید با تکیه بر منابع حقوق آنان بررسی شود و از آنجا که مهمترین منبع حقوقی در هر کدام از مکاتب تعاریف و ریشه های دینی آن است. لذا بایستس ابتدا تعریف کودک و طفل و بلوغ را در دین مورد نظر بررسی نموده و سپس به مسائل حقوقی آن پرداخت.

تاکنون بیش از همه مسائل کیفری، کودکان پرداخته شده است و کتر به مسائل مدنی و حقوق عادی آنان توجه گردیده است، در حالی که مسائل مالی می تواند در برخی موارد بیش از مسائل جزئی به آینده و کیفیت زندگی آنان در طول عمر تاثیر گذار باشد. با توجه به اهمیت موضوع و کم اهمیت قرار دادن آن در بسیاری از کتورها مطالعه حاضر به بررسی اهلیت شرعی و قانونی و تعارض آنان و تاثیرات این موارد بر حقوق کودکان خواهد پرداخت. در این فصل ابتدا به بیان مسئله و اهمیت و ضرورت تحقیق آن پرداخته و رویا نظری و عملی آن را مورد بررسی آن را مورد بررسی قرار داده است.

جامعه عرصه تبادل کالاها بین افراد مختلف حقیقی و حقوقی است. از جوامع به وجود ضوابط و قوانین آنان را در طول تاریخ آن برداشت تا با وضع مقرراتی مرتبط، آرامشی نسبی در عرصه های معاملات بین افراد به وجود آورند. یکی از مسائلی که پیوسته ذهن اندیشه وران را به خود مشغول کرده است مساله اهلیت افراد برای معاملات است. اهلیت حسب تعریفی که قانون مدنی ما از آن کرده است، توانایی دارا شدن حقوق است. (ر. ک. به ماده ۹۵۶) توانایی دارا شدن به این معنا و مفهوم که افراد در چه زمانی توانایی دارا بودن و اجرای حقوق خود را دارند؟ چه

افرادی و در چه زمانهایی از اجرای حقوق خود ممنوع هستند؟ این منع حالت استدامی دارد یا لحظه ای و در زمان خاصی می باشد؟ بسیاری سوالهای دیگر که مباحث مختلفی را در حقوق مدنی به وجود آورده است. آنچه اما در این پژوهش مد نظر ما است، بررسی معاملات (اگر خرید و فروش و توانایی دارا بودن - مالکیت - را یکی از حقوق اصلی افراد بدانیم که به درستی هم چنین است.) صغار از دیدگاه فقه، قوانین و حقوق موضوعه است. صغاریه عنوان یکی از چند گروه ممنوع معامله در حالت کلی حائز اهمیت فراوانی هستند. آیا آنها حتی از قبول و دارا شدن هدیه و جوایز هم ممنوع هستند؟ اساساً صغار به چه کسانی می گوئیم و چه زمانی دوحداً ابتدا و انتهای حد یا سن صغر است؟ باین آئین آنچه منطوقاً و مفهوماً مورد بررسی ما است، بررسی کردن این نکات است که صغار چه نوع معاملاتی را میتوانند انجام دهند و حقوقدانان و فقیهان چه نظراتی در مورد خرید و فروش کالاها توسط اطفال (اگر معنای اطفال و صغار را یکسان بدانیم) دارند. قوه تشخیص صغیر نسبت به اموری - رزقانی اجتماعی با آنها برخورد میکند مختلف است. چنانکه صغیر سود زیان و آثار و احکام بعضی از آنها را در سن پایین درک میکند، و بسیاری از اعمال کیفری را در سن بالا می فهمد. همچنین تشخیص صغار در سن معین متفاوت است. بعضی سن معین را تشخیص و سود و زیان و آثار و احکام آن را می دانند، و بعضی دیگر در همان سن آنها را چنین نمی دانند. برای همین بعضی از فقهای امامیه تصریح کرده اند که صغیر ممکن است نسبت به امری ممیز باشد و نسبت به امر دیگری غیر ممیز باشد. بلکه صغیر امری را تمیز میدهد و دیگری را در همان سن نتواند تمیز دهد. لذا از نظر مدنی نمی توان این معینی را سن تمیز داشت انجام دادن اعمال حقوقی به وجود تمیز و اراده نیازمند است. کسی که بتواند امور مختلف را از همدیگر تمیز بدهد میتواند اراده معتبر برای انجام اعمال حقوقی داشته باشد، به عبارت دیگر انجام دادن اعمال حقوقی مبتنی بر داشتن اراده حقوقی و اراده هم مبتنی بر وجود تمیز است. انسان ها در سالهای نخست زندگی فاقد درک و تمیز هستند و به تدریج و موازات رشد اعضای بدن قوه عقلانی او نیز نمو کرده به مرحله ای می رسد که سود و زیان را از زشت و زیبا را از همدیگر

تمیز می دهد این درحالی است که زمان در کودکان مختلف متفاوت است و این مرحله سن تمیز نام دارد.

صغیر قبل از رسیدن به این مرحله غیر ممیز است و تمامی اعمالی حقوقی ابطال و بلا اثر است. اما هنگامی که صغیر دارای نیرومندی تمیز شده و اراده حقوقی پیدا کرد، صغیر ممیز می شود، و اصول و ابزار لازم برای انجام دادن اعمال حقوقی را به دست می آورد و می تواند اعمال حقوقی به طور مستقل یا با اجازه ولی انجام دهد. افعال قضایی اعمالی هستند که دارای اعتباری قانونی می باشند و از اسباب تعهد و انتقال قرار داده شده است مانند عقود و ایقاعات.

افعال قضایی دارای موضوعاتی می باشند که وجود آن در خارج مقصود نیستند قانون آنرا معتبر شناخته مانند تملیک، موقوفات مزبور وجود مادی در خارج ندارند ولی دارای آثار مادی هستند که قانون آنرا معتبر شناخته است. عقود و ایقاعات به وسیله اراده محقق می گردد اراده مرکب از قصد و رضا می باشد.

تمامی اعمال حقوقی صغیر غیر ممیز به علت فقدان تمیز و اراده حقوقی امروزه باطل و بلا اثر است. کسی که اراده حقوقی (انشایی) نداشته باشد نمی تواند عمل حقوقی انجام دهد و اگر به ظاهر بر آن اقدام نماید باید عمل او را باطل به شمار آورد. م ۲۱۲ بیان می دارد که معامله با اشخاص که بالغ یا عاقل یا رشید نیستند به واسطه عدم اهلیت باطل است و م ۲۱۳ «معامله محجورین غیر نافذ است» با توجه به معانی خاص کلمات در دوره ماری ۱۲ و ۲۱۳ شاید بتوان برداشت کرد که این دو ماده با همدیگر تعارض دارند. مبنای قانونگذاری که اینجا مورد و آرامش در جامعه است تدوین قوانین متعارض را به دنبال نخواهد داشت. پس برای این که بتوان این تعارض را حل نمود اقوال و نظرات مختلفی بیان شده است.

۱- یکی از نظریات معتقد بر این است که م ۲۱۲ ناظر بر بطلان به معنی خاص معاملات صغیر، مجنون و سفیه است، م ۱۲۱۲ استثناء است یعنی معاملات صغیر و سفیه در صورتی باطل است که بارید مانع ولی همراه باشد.

یعنی اگر این افراد بدون منع ولی معامله ای انجام دهند معامله آنها غیر نافذ است. ایراد این نظریه این است که درم ۲۱۳ کلمه مجورین را باید بر صغیر ممیز و سفیه حمل کرد که این با اطلاق کلمه مجورین سازگار نمی باشد.

۲- نظر دوم این است که م ۲۱۳ ناظر به مجورین مثل مفلس، راهن و مریض است که حجر آنها به خاطر مصلحت دیگران مطرح شده و عمل آنها هیچ گاه باطل نیست بلکه غیر نافذ است و نفوذ معاملات آنها موقوف اجازه طلبکار و مرتهن و وارث است پس کلمه مجورین شامل صغیر و سفیه و مجنون نیست اشکال این تفسیر این است که با این تفسیر پس قانون گذار درم ۲۱۲ معاملات صغیر و مجنون و سفیه را در یک ردیف قرار داده و همه را باطل میدانند ولی معاملات همه این افراد باطل به معنی خاص نیست پس ناچار باید بگوییم معنی باطل در این ماده به معنی عام به کار رفته است.

۳- نظر عده ای دیگر بر این است که اینجا معامله با مجورین دو طرف دارد یک طرف فرد اهل است و طرف دیگر فرد مجبور است این عده عقیده دارند، م ۲۱۲ ناظر به معامله شخص اهل با مجبور است و ماده ۲۱۳ از جانب مجبور است.

اما از آنجا که معامله یک رابطه حقوقی است که نمی تواند از یک طرف درست و از طرف دیگر نادرست باشد معامله با مجبور از هر دو طرف باطل است و نافذ است و قانون گذار درم ۲۱۲ و ۲۱۳ به همین نکته نظر داشته است. اما هیچ یک از این نظریات به درستی نمی توانند ابهام وجودی در این دو ماده را از بین برد و به نظر می رسد راهکار اصولی اصلاح این مواد قانونی می باشد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجا که برای صحت هر معامله شرایطی لازم است که متعاملین یا طرفین قرارداد می بایست آنها را دارا بوده تا عقد یا قرارداد بر بنیان قانونی شکل گرفته و استحکام لازم را داشته باشد بر همین اساس قانونگذار در ماده ۱۹۰ قانون مدنی در چهار بند شرایط اساسی صحت معامله را بر شمرد و در بند ۲ ماده ی فوق الاشعار اهلیت طرفین معامله را یکی از شرایط اساسی مذکور قلمداد

نمود. بطوریکه اگر طرفین معامله اهلیت لازم را برای معامله نداشته باشند معامله صورت گرفته باطل و یا در مواردی غیر نافذ خواهد بود بنابراین در مباحث آتی به این مقوله خواهیم پرداخت به نحوی که ابتدا در بخش اول کلیات تحقیق راجع به تعریف اهلیت و اقسام آن از نظر فقهی و حقوقی و شرایط اهلیت استیفاء اعم از بلوغ، عقل و رشد را مورد بررسی قرار داده و در بخش دوم به معاملات محجورین اعم از صغار و همین طور حل تعارض مواد ۲۱۲ و ۲۱۳ قانون مدنی و حل تعارض تبصره ی ۲ با متن ماده ی ۱۲۱۰ قانون مدنی پرداخته و در نهایت نتیجه گیری کلی از این موارد از اهداف این پژوهش خواهد بود.

اهداف تحقیق

هدف کلی: اهلیت شرعی و قانونی و تاثیر آن بر حقوق کودکان
اهداف ویژه:

- ۱- تعیین زمان اهلیت تمتع و استیفاء
 - ۲- تعیین چگونگی حدوث بلوغ و رشد در کودکان
 - ۳- تعیین مصادیق صغار و دوره های آن
- هدف کاربردی: بدست آوردن فاکتور نهایی ملموس جهت تعیین سن بلوغ و یا روش های دیگر بغیر از سن و وضعیت اجتماعی
- هدف نهایی: ارتقا کیفیت احقاق حقوق کودکان

سوال های تحقیق

یکی از مسایلی که پیوسته ذهن اندیشه وران رابه خودمشغول کرده است مساله اهلیت افراد برای معاملات است اهلیت حسب تعریفی که قانون مدنی ما از آن کرده است ، توانایی دارا شدن حقوق است. توانایی دارا شدن به این معنا ومفهوم که

سوال اول: افراد در چه زمانی توانایی دارا بودن و اجرای حقوق خود را دارند؟

سوال دوم: چه افرادی و در چه زمانهایی از اجرای حقوق خود ممنوع هستند؟

سوال سوم: این منع حالت استدامی دارد یا لحظه ای و در زمان خاصی می باشد؟

بسیاری سوالهای دیگر که مباحث مختلفی را در حقوق مدنی به وجود آورده است. آنچه اما در این پژوهش مد نظر ما است، بررسی معاملات (اگر خرید و فروش و توانایی دارا بودن - مالکیت - را یکی از حقوق اصلی افراد بدانیم که به درستی هم چنین است.) صغار از دیدگاه فقه، قوانین و حقوق ما، نحوه است. صغاره عنوان یکی از چند گروه ممنوع معامله در حالت کلی حائز اهمیت فراوانی هستند.

سوال چهارم: آیا آنها حتی از قبول و دارا شدن هدیه و جوایز هم ممنوع هستند؟

سوال پنجم: فقه و حقوق ایران برای کودکان غیر شرعی چه حقوقی قائل است؟

تمامی اعمال حقوقی صغیر غیر ممیز علت فقدان تمیز و اراده حقوقی امروزه باطل و بلا اثر است. کسی که اراده حقوقی (انشایی) نداشته باشد نمیتواند عمل حقوقی انجام دهد و اگر به ظاهر بر آن اقدام نماید باید عمل او را باطل به شما. آیه م ۲۱۲ بیان می دارد که معامله با اشخاص که بالغ یا عاقل یا رشید نیستند به واسطه عدم اهلیت باطل است ولی به موجب م ۲۱۳ «معامله محجورین غیر نافذ است» با توجه به معانی خاص کلمات در درجه ۲۱۳ و ۲۱۴ شاید بتوان برداشت کرد که این دو ماده با همدیگر تعارض دارند. مبنای قانونگذاری که ایجاد حول و آرامش در جامعه است تدوین قوانین متعارض را به دنبال نخواهد داشت. پس برای این که روان این تعارض راحل نمود اقوال و نظرات مختلفی بیان شده است.

۱- یکی از نظریات معتقد بر این است که م ۲۱۲ ناظر بر بطلان به معنی خاص معاملات صغیر، مجنون و سفیه است، م ۱۲۱۲ استثناء است یعنی معاملات صغیر و سفیه در صورتی باطل است که باردیامنع ولی همراه باشد.